این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

سبوی دوست

نگو «ما حالا جوانیم این حرف‌ها چیست؟»

استاد شهید مرتضی مطهری:
دنیا دائماً به تو خبر می‌دهد و وعده می‌دهد که در آینده بر جسم تو ابتلائاتی وارد می‌شود. مثلاً تو در آینده پیر خواهی شد، ریشت سفید خواهد شد، نور چشمت و قوع سامعه‌ات ضعیف خواهد شد و تمام قوایت به تحلیل خواهد رفت. از حالا مرتباً اعلام می‌کند و همه را نشان می‌دهد، به صورتی که انسان شک نمی‌کند. یعنی الان که این جسم سالم است و این قوت‌ها کاستی نگرفته است باید عمل کرد، در آینده نخواهی توانست. اگر بخواهی خودت را فریب بدهی و بگویی در آینده عمل می‌کنم، پیشاپیش به تو اطلاع می‌دهد که در آینده دیگر این امکانات و این قوه و قدرت وجود ندارد. نگو «ما حالا جوانیم، این حرف‌ها چیست؟» در جوانی کار کن که در پیری دیگر نمی‌توانی، بعد از پیری هم که دیگر مردن است.
منبع: صفحه رسمی «بنیاد شهید مطهری» در اینستاگرام به استناد صفحه ۱۰۸، جلد ۱۲ کتاب آشنایی با قرآن

پشیمانی ترامپ از برخی توییت‌هایش

پایگاه اینترنتی هیل نوشت: دونالد ترامپ به دِیو پورتنوی، بنیانگذار شبکه تلویزیونی بارستول اسپورتس گفت: «در زمان‌های گذشته، اینچنین بود که مثلاً شما نامه‌ای می‌نوشتید و بعد متوجه می‌شدید که آن واقعاً نامه بدی است. شما آن نامه را روی میزتان می‌گذاشتید و فردا برمی‌گشتید و می‌گفتید خوشحالم که آن را ارسال نکردم. اما این کار را اکنون نمی‌توان با توییتر انجام داد. شما مطلبی را فوراً منتشر می‌کنید و احساس خوبی دارید و بعد شروع به دریافت تماس‌های تلفنی می‌کنید که افراد می‌گویند آیا شما واقعاً این حرف را زده‌اید؟ و من می‌گویم چه اشتباهی در آن وجود دارد؟ و شما چیزهای زیادی پیدا می‌کنید.» ترامپ که اغلب به سبب استفاده از حساب توییتری خود با انتقاد روبه‌رو می‌شود، افزود: «می‌دانید من چه چیزی پیدا می‌کنم؟ مسئله، فقط توییت‌ها نیست، بلکه مسئله، باز نشر توییت‌های دیگران است که شما را دچار مشکل می‌کند.» ترامپ در ادامه گفت برخی اوقات به توییت‌هایی که از حساب توییتری خود به اشتراک می‌گذارد و ۸۴ میلیون دنبال کننده دارد، دقت نمی‌کند. او به همین ترتیب سال گذشته در مصاحبه‌ای گفته بود برخی توییت‌های وی برای کاخ سفید مشکلاتی ایجاد می‌کند. ترامپ همچنین به پورتنوی گفت، معتقد است توییتر یک ابزار پیام‌رسان قدرتمند است و توضیح داد از آن برای خنثی کردن «اخبار جعلی» استفاده می‌کند.

ژاپنی‌ها حتی اجازه ندادند پرچم امارات روی ماهواره ارسال شده نصب شود!

به گزارش کانال تلگرامی «طنز دکتر سلام» عبدالرحمن ابوسنینه، کارشناس عرب‌زبان، در واکنش به خبر پرتاب ماهواره اماراتی به کمک ژاپن به شبکه تلویزیونی الحوار گفت: «بالاخره رؤیای زاید محقق شد! و مریخ در دسترس امارات قرار گرفت. مریخ اماراتی شد! فرض می‌کنیم یک تاجر اماراتی و صاحب‌خانه‌های فحشا در دبی که می‌داند در آنجا یک کسب‌وکار رایج و پر رونقی است و میلیون‌ها [دلار] درآمد دارد! دو سه تا ماشین فراری خرید و در دبی و ابوظبی شروع به گشت‌زنی کرد، آیا ماشین فراری از افتخارات صنعتی امارات محسوب می‌شود؟! ژاپنی‌ها حتی اجازه ندادند پرچم امارات روی ماهواره ارسال شده نصب شود! البته به فرض آنکه ماهواره‌ای به مریخ ارسال شده باشد! کمی هم خجالت بکشید! میلیاردها [دلار] برای بهبود چهره و سابقه خود که به لجنزار تبدیل شده، [به سایر کشورها] پرداخت می‌کنید! ای قاتلان کودکان یمن! ای قاتلان رؤیاهای اصیل عربی در یمن! تنها موضوع خوشحال کننده در این موضوع، این است که این موشک اماراتی یا سعودی پرتاب شده، بر سر کودکان یمنی سقوط نمی‌کند و شهروندان یمنی را هدف قرار نمی‌دهد، این تنها نقطه روشن در این اتفاق است!»
همچنین کانال تلگرامی «تبیان» در گزارشی تصویری با استناد به اسناد منتشر شده در پایگاه‌های خبری انگلیسی زبان نشان داد برنامه عملیاتی پرتاب و مراحل ساخت این ماهواره که در رسانه‌های خارجی، همچون میدل ایست، تحت عنوان پیشرفت صنعتی امارات پوشش داده شده است، تحت نظر سه دانشگاه امریکایی پیش رفته بود و سرانجام هم با یک موشک ژاپنی از جزیره‌ای در ژاپن به فضا پرتاب شد! در واقع امارات با صرف هزینه بسیار و با کمک کشورهای دیگر صاحب برنامه فضایی شده است و اولین فعالیت امارات در فضا با ماهواره‌ای بود که تمام مراحل آن را یک شرکت کره‌ای پیش برد! همچنین نیاز به یادآوری است که تنها نیروگاه اتمی امارات هم به کمک انتقال فناوری از امریکا و به دست مهندسان کره‌ای ساخته شده است! اماراتی‌ها جواهرات، مواد معدنی و نفت را می‌فروشند و در ازای آن همه چیز را از تکنولوژی فضایی و اتمی گرفته تا علم و هنر و فرهنگ و حتی نیروهای نظامی، می‌خرند! تحقیقات نشان می‌دهد ۷۰ درصد ارتش امارات از نیروهای خارجی که با پول اجیر شده‌اند تشکیل می‌شود؛ علاوه بر این تقریباً تمامی تجهیزات ارتش امارات خریداری شده و وارداتی است.

اعتراض کاربران شبکه‌های اجتماعی به سریال‌های شبکه نمایش خانگی

نمایش خانگی با کپی از ابتذال خارجی

سریال‌های نمایش خانگی حالا یکی دوسالی است که مهمان خانه‌های ایرانی‌ها شده‌اند و تقریباً جای سریال‌های تلویزیون را گرفته‌اند. کثرت سریال‌ها تقریباً به حدی رسیده است که می‌توان هر شب پای قسمت جدید یکی از آنها رسید اما در ازای این حجم از مخاطب محتوای درخوری ارائه که نمی‌شود هیچ، بلکه شاهد محتواهای غیر اخلاقی هستیم که می‌توان آن را بخشی از ولنگاری فرهنگی نامید. کاربران شبکه‌های اجتماعی نیز از این ولنگاری نالانند. آنها این قسم از سریال‌ها را کپی‌ای از سریال‌های ترکیه‌ای و ماهواره‌ای می‌دانند که کمر به نابودی فرهنگ خانواده بسته‌اند. کاربران این سریال‌ها را در دوران ضعف صداوسیما در ساخت برنامه‌های جذاب و سریال‌های خانوادگی، فاقد هرگونه محتوا دانستند که تلاش دارند با ایجاد جذابیت‌های بصری و عشوه‌گری‌های بازیگران مخاطب را به خود جذب کنند. فعالان رسانه‌ای خواستار نظارت جدی بر این سریال‌ها هستند. در ادامه برخی از توییت‌های کاربران را می‌خوانید.

■ **محمد کرمانی:**
خشونت در سریال‌های شبکه خانگی موج می‌زند و هر سریال بدتر از سریال قبل می‌شود. کسی هم توجه‌ای ندارد. چرا باید این حجم از خشونت به مخاطب نشان داده شود؟ قرار است چه بلایی بر سر روان ایرانی‌ها بیاید؟ فهمی داریم که مشاهده این حجم از خون، قتل و... چه بلایی بر سر جامعه‌ای می‌آورد که همین‌طوری هم اعصاب راحتی ندارد؟!

■ **نشانک:**
در سریال‌های پر زرق و برق شبکه نمایش خانگی چه خبر است؟! ترویج فرهنگ بی‌بند و باری و الگوبرداری‌های ناشیانه از سریال‌های ترکیه‌ای آش شوری برای وضعیت تربیت خانواده‌ها پخته است. هیچ یک از سریال‌های شبکه نمایش خانگی را در کنار کودکان خود تماشا نکنید!

■ **حاج حیدر:**
در روزهای قرنطینه فرصتی شد تعدادی از سریال‌های ایرانی عرضه شده در شبکه نمایش خانگی را ببینیم؛ مانکن، دل، ممنوعه، عاشقانه و... الحق و الانصاف بسیار آموزنده بود؛ جدیدترین مُتَدهای خیانت، رذالت و حماقت را آموزش می‌دهند! بعضی از این متولیان فرهنگی کشور، خائن اگر نباشند، قطعاً اَبله‌اند!

■ **یاسر عرب:**
از ترکیب خیابان‌های سعادت‌آباد، ویلاهای فرمانیه، ماشین‌های شاسی، پوشیدن روبدوشامبر و مانتوی چرمی، پشت چشم نازک کردن زنان لوند و وسط بازی ریش مانکن‌های اطفاری که اتمسفر سریال‌های نمایش خانگی را گرفته‌اند، چه خروجی باید انتظار داشت؟ «ایران» نخواهد آلوده تهران شود که را ببیند؟

■ **نجیبه فیروزی:**
مواد لازم برای ساخت سریال‌های نمایش خانگی در ایران: اندکی رنگ و لعاب در پوشش و آرایش بازیگران زن و کمی عشوه‌گری بیشتر بین شخصیت‌ها؛ استفاده از سیگار و مشروب و مواد مخدر به میزان توماس شلبی؛ سبک زندگی لاکچری و مقادیر زیادی دروغ، خیانت، پنهانکاری، حسادت و طمع!

■ **سعید الهی:**
گفته‌اند اگر سریال نمایش خانگی دل، ترکیه‌ای بود کسی با آن مشکل نداشت! اتفاقاً مشکل اصلی، همین کپی‌کاری‌های ناشیانه از تولیدات تصویری مبتذل آن سوی مرزهاست. دریغ از ذره‌ای خلاقیت و آبروداری برای هنر ایران زمین! تنبلی ذهن و منفعت طلبی‌های خود را توجیه نکنید آقای منوچهر هادی!

■ **احسان رشیدی:**
نمایش خانگی در بدترین شرایط خود قرار دارد و خطرناک‌تر از ویروس کرونا ساخته شدن سریال‌های دل، مانکن و کرگدن است که سایه شومی را بر سر فرهنگ افکنده‌اند.

■ **کیان مهزاد:**
وقتی اعضای کمیسیون فرهنگی فیلم نمی‌بینند باید هم سریال‌های نمایش خانگی هر چه دلشان می‌خواهد بکنند و هر لجنی را نشان دهند. واقعاً بهتر است به جای این حجم از آرایش و عشوه‌گری همان سریال‌های خارجی را پخش کنند؛ اینطوری ضررش هم برای کشور کمتر است و پول مملکت هم صرف ترویج فرهنگ بی‌بند و باری غرب نمی‌شود.

گزارش

ویروس ترامپ در حال گسترش و ۴ ماه هولناک در پیش است

کانال تلگرامی پایش امریکا ترجمه یادداشتی از پال کروکمن، برنده نوبل اقتصاد در نیویورک تایمز را به اشتراک گذاشت. در این یادداشت می‌خوانیم:
دو هفته پیش، وال‌استریت ژورنال مقاله‌ای را با عنوان «کروناویروس موج دوم ندارد» به قلم مایک پنس، معاون اول رئیس جمهوری ایالات متحده منتشر کرد که هدف آن اطمینان‌بخشی به مردم امریکا بود اما در واقع این مقاله تصویری روشن از توهمات و اندیشه‌های مرموز دولت ترامپ در پاسخ به کووید – ۱۹ را ترسیم کرد، روندی که یک فاجعه سیاسی سهمگین آفریده است. طبق ادعای مقامات دولت و چاپلوسان ترامپ ما باید اکنون با افول همه‌گیری و بهبود اقتصادی روزافزون روبه‌رو بودیم. در عوض ما ناپدید شدن بهبود اقتصادی و افزایش همه‌گیری را شاهد هستیم.
در مقاله پنس تأکید شده است موارد ابتلای روزانه به ثبات و عدد ۲۰ هزار رسیده است. همین آمار هم اگر واقعی باشد پنج برابر آمار ابتلای روزانه در اتحادیه اروپاست که جمعیت آن سه برابر جمعیت امریکاست. با این حال، از زمان انتشار مقاله پنس موارد ابتلا سیر افزایشی داشته و به بیش از ۵۰ هزار مورد رسیده است. برخی هواداران ترامپ این افزایش را به توهمی دیگر، یعنی افزایش شمار تست کروناویروس نسبت می‌دهند اما این درست نیست. موارد ابتلا خیلی بیشتر از تعداد تست‌ها افزایش یافته است.
تعداد موارد بستری در بسیاری از ایالت‌ها (آریزونا و تگزاس) به اوج رسیده و در مرز موج دوم قرار گرفته است. بیمارستان‌ها در هر دو ایالت در وضعیت بحران قرار دارند (احتمال می‌رود فلوریدا که از انتشار آمار بیمارستانی خودداری می‌کند نیز شرایط مشابهی داشته باشد). تنها خبر خوب این است که کاهش نرخ مرگ و میر ادامه دارد که بخشی از آن به این دلیل است که موج تازه ابتلا، افراد جوان‌تر را هدف گرفته است اما کووید – ۱۹ حتی اگر به مرگ نینجامد هم می‌تواند تضعیف‌کننده و آسیب‌های بلندمدتی به همراه داشته باشد. نکته دیگر اینکه افزایش نرخ مرگ و میر معمولاً دو هفته پس از افزایش نرخ ابتلا رخ می‌دهد.
مسئله مهم این است که اوج‌گیری دوباره کووید – ۱۹ در امریکا قابل پیش‌بینی بود و پیش‌بینی هم شد. زمانی که ترامپ از بازگشایی‌های پرشتاب به رغم وخامت همه‌گیری سخن گفت، متخصصان بیماری‌های همه‌گیر هشدار دادند این اقدام می‌تواند موج دوم کروناویروس را به همراه داشته باشد. آنها درست می‌گفتند.
اقتصاددانان هم هشدار دادند گرچه سبک کردن فاصله‌گذاری اجتماعی می‌تواند برای یک دوره محدود از نرخ بیکاری بکاهد اما این دستاوردها کوتاه‌مدت است و بازگشایی‌های نابهنگام حتی می‌تواند از لحاظ اقتصادی خودزنی باشد. اینها هم درست می‌گفتند.
شاخص‌های گوناگون بیانگر این است که بهبود اقتصادی، متوقف شده و حتی عقب‌نشینی هم کرده است. ترس از ابتلا به بیماری اینگونه است: بسیاری از مردم بی‌توجه به آنچه دولتمردان می‌گویند، از خانه خارج نخواهند شد. در نتیجه با وجود بازگشایی‌ها، نرخ بیکاری هنوز دو رقمی است و احتمالاً تا مدت‌ها بهتر هم نخواهد شد.
بین مشاغل و گسترش همه‌گیری ارتباط تک به تک وجود ندارد. اگر همه ما ماسک می‌زدیم و از سیاست‌های احمقانه‌ای مانند بازگشایی بارها و از سرگیری اجتماعات در فضاهای سربسته پرهیز می‌کردیم چه بسا می‌توانستیم بدون افزایش آمار ابتلا به دستاوردهای چشمگیری در زمینه مشاغل برسیم، اما ما این کارها را انجام ندادیم چون ترامپ و مقامات جمهوریخواه از اجرای اقدامات حساس امتناع کردند.
ادامه فعالیت‌هایی که از سرگیری ایمن آنها دو ماه قبل – هنگام پایین بودن نرخ ابتلا – امکانپذیر بود، اکنون به دلیل شیوع بیشتر کووید – ۱۹ ممکن نیست. یعنی شرایط ما حتی از لحاظ اقتصادی بهتر بود اگر ترامپ و هوادارانش از روزهای نخست، همه‌گیری را جدی می‌گرفتند. نکته هولناک‌تر این است که ترامپ و افرادش هنوز هم از رسوایی‌هایی که در پاسخ به کروناویروس به بار آورده‌اند، درسی نگرفته‌اند. ترامپ همین دو روز پیش بار دیگر ادعا کرد «کروناویروس خود به خود ناپدید خواهد شد.»
«توهم موفقیت» تیم ترامپ، بهایی سنگین را به همه ما تحمیل خواهد کرد. تا حالا ما باید گسترش کروناویروس را مهار کرده و اطمینان یافته بودیم که امریکایی‌ها به کمک‌های اقتصادی مورد نیازشان دست یافته‌اند، اما واقعیت این است که هیچ یک از اینها رخ نداده است. موارد ابتلا و بستری در بیمارستان‌ها همچنان افزایش خواهد یافت و میلیون‌ها امریکایی در چند هفته آینده شاهراه‌های اقتصادی‌شان را از دست خواهند داد. چهار ماه آینده بسیار هولناک خواهد بود.

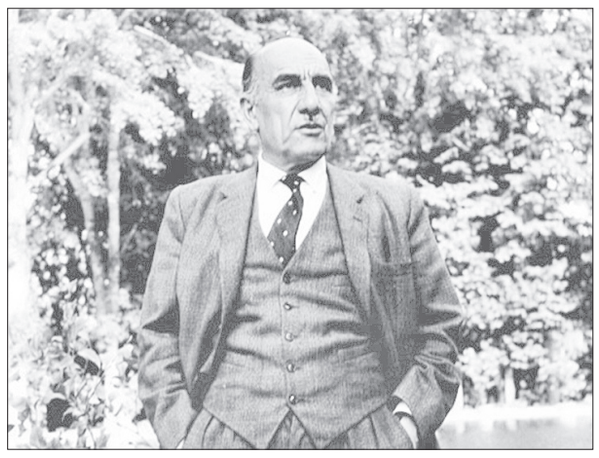

خوابی که موجب جاه و مقام در دربار پهلوی‌ها شد

حجت‌الاسلام دکتر رسول جعفریان، استاد دانشگاه تهران و تاریخ‌پژوه، در کانال تلگرامی‌اش مطلبی را به اشتراک گذاشت که چکیده‌ای از بخش نخست آن را می‌خوانید: بارها در تاریخ به مواردی برخورد کرده‌ایم که کسانی با پیشگویی منجمانه یا خواب دیدن مدعی می‌شوند که فلان شخص، به پادشاهی خواهد رسید. چنان‌که بسا خواب می‌بینند یا مدعی می‌شوند که کسانی به آنان خبر داده‌اند که قرار است بلایی بر سر فلان پادشاه بیاید و در این باره به او خبر می‌دهند تا کاری برای او کرده باشند. برخی از اینها ممکن است انتظار پاداشی را داشته باشند، اما برخی هم بالاخره چیزی در عالم خیال یا خلسه یا خواب دیده‌اند. فرضاً چون در فکرش بوده‌اند یا با روش‌های دیگری که در این موارد وجود دارد، چیزی مشاهده و آن را بیان می‌کنند. این افراد حتی اگر خیلی زاهد باشند، دلیلی ندارد که کسی حرفشان را باور کند. بماند که از صدها هم یکی از آنها درست در نمی‌آید، اما کافی است یکی درست در بیاید، آن وقت است که معرکه فراوانی درست می‌شود و آثار اجتماعی و سیاسی‌اش را هم دارد. اصولاً سیاستمداران به این موارد علاقه نشان می‌دهند. این روزها دو مورد جالب دیدم که می‌خواهم عرض کنم.
نخست اینکه در خاطرات منوچهر هاشمی از ارکان ساواک که ضمن پروژه تاریخ شفاهی هاروارد ضبط و منتشر شده است، دیدم که از خاطرات زمان مشهد خود می‌گوید و ضمن آن یادی هم از سیدجلال‌الدین طهرانی دارد. در انتهای نوار دهم و اوایل نوار یازدهم، منوچهر هاشمی می‌گوید: «[طهرانی] آدم خاصی بود؛ فکر می‌کنم که غالب شخصیت‌های محلی او را می‌شناسند. مثلاً در تمام دوران استانداری‌اش این یک دفعه رأی مثبت نداده بود. تمام آرای آن یا منفی بود یا کبود بود و اینها و با تمام اینها، مورد توجه ملکه مادر بود. این از دوستان سیدضیاء طباطبایی بود و در کودتای ۱۲۹۹ در دربار به صورت کف بین و دست بین در دربار قاجاریه نفوذ داشت. روزی درباری‌ها را تحریک می‌کرده که من خواب دیدم رضاخان که آن زمان سردار سپه بود، شاه می‌شود. این مسئله پخش شد و [دربار] می‌فرستد که این را پیدایش کنند. این پنهان می‌شود تا پس از مدتی که قاجاریه سقوط می‌کند، می‌روند می‌گویند این کسی است که خوابی دیده و اینها، اعلیحضرت او را می‌فرستد به بلژیک ۱۶ سال تحصیل می‌کند. بعد هم در ۱۳۲۰ سفیر می‌شود و می‌رود به بلژیک...» باقی داستان را می‌دانیم، سیدجلال، در بیشتر دوره پهلوی، مناصب مهمی داشت که مهم‌ترین آنها نایب‌التولیه آستان قدس رضوی و استانداری خراسان بود و اخیراً هم سرکار خانم طلایی کتابی با عنوان پژوهشی در احوال و اسناد سیدجلال‌الدین طهرانی نوشته‌اند. آخرین سمت او نایب‌السلطنه شدن او از طرف شاه در وقت خروجش از ایران بود که چند روز بعد، طهرانی هم از ایران رفت... مقصودم همان پیشگویی او بود که شاید به همین دلیل مورد توجه ملکه مادر بوده است. با این همه، سیدجلال مرد دانشمندی است، گاهنامه‌های او بسیار ارزشمند هستند، مردی علم دوست. وی برای نخستین بار «تاریخ قم» این اثر ارزشمند را منتشر کرد که از کتاب‌های بسیار مهم در تاریخ محلی ایران است... به هر حال شخصیت مهمی است که به نظرم هنوز در باره وی کاری نشده است. اما و آن کف‌بینی‌اش... فعلاً موضوع این یادداشت است که اگر راست باشد، بالاخره به نان و نوایی رسیده است.
بخش دوم این یادداشت مربوط به خواب آقای علی‌اصغر فراشبندی و خبردار شدن او از ترور شاه است که می‌توانید آن را در کانال دکتر جعفریان مطالعه فرمایید.

پاورقی «جوان» از «اتاق حوادث» جان بولتون
۲۳
ترجمه: محمدصادق عبداللهی

ترامپ: سوریه دوست ما نیست

[در ادامه جلسه شورای امنیت برای تصمیم‌گیری در خصوص نحوه پاسخ به سقوط پهپاد گلوبال هاوک] دانفور پیشنهادات ما را ارائه کرد اما فهمیدم ترامپ در ذهنش به دنبال گزینه‌هایی می‌گردد که بتوانیم خسارت بیشتری به آنها بزنیم. وقتی او از گزینه‌های دیگر سؤال کرد، من گفتم: «ما می‌توانیم همه این کارها را با هم، جدا جدا یا به هر صورتی که شما می‌خواهید انجام دهیم.» با این پاسخ ترامپ فهمید که ما نمی‌توانیم با ارائه گزینه‌های پیشنهادی خود او را از نگاه به گزینه‌های دیگر منع کنیم. اعاده اعتبار ایالات متحده با توجه به بازدارندگی ناچیز ما در برابر کشوری که مشتاق سلاح‌های هسته‌ای بود و دولتی سرکش، ایدئولوژیک و دینی داشت نشان می‌داد که ما نیاز به پاسخ‌های محکم‌تری داریم اما من احساس نمی‌کردم که نیاز باشد برای جمع استدلال کنم، چراکه فکر می‌کردم در حداقل‌ترین حالت ممکن ترامپ پیشنهاداتی را که در جلسه کاری صبح بسته بودیم، تأیید می‌کند. دانفور اگر چه در خصوص موفقیت بعضی از پیشنهادات مطمئن بود اما مثل همه ما مخالف هر گزینه‌ای به غیر از بسته پیشنهادی بود. بحث ادامه یافت در حالی که پمپئو به طور غیر عادی ساکت بود. ترامپ یکباره به خاطر اینکه من از بسته پیشنهادی حمایت می‌کردم، گفت: «بولتون یک میانه‌رو است!» این حرف او باعث شد جمعیت به خنده بیفتد! من به سؤالی درباره تأمین مالی عملیات اشاره کردم و گفتم این عملیات یک عملیات سودآور خواهد بود؛ پمپئو نیز مجدداً تلاش‌های دلگرم‌کننده‌اش را برای جذب منابع مالی تا آن تاریخ شرح داد که این تلاش‌ها شامل چه چیزهایی می‌شود. او گفت که آخر هفته برای رایزنی‌های بیشتر عازم منطقه است. ترامپ به او گفت درباره مذاکرات چیزی نگویید و فقط درباره پول با آنها صحبت کنید. در ادامه جلسه ترامپ باز هم سراغ نقض قانون لوگان از سوی کری رفت! ظاهراً بدون صحبت درباره این موضوع هیچ جلسه‌ای درباره ایران رسمیت نداشت! من جلسه را با تأکید بر تصویب بسته پیشنهادی جلسه صبحانه کاری به پایان رساندم. ترامپ موافقت کرد و می‌خواست بیانیه‌ای بدهد و در آن اعلام کند که «امریکا یک پاسخ کوچک به یک اشتباه ساده ایرانیان می‌دهد!» با توجه به اینکه اقدام تلافی جویانه امریکا باید ایرانی‌ها را غافلگیر می‌کرد، هیچ کس با صدور این بیانیه موافق نبود و پیشنهاد ترامپ در میان مناقشات فراموش شد. ترامپ از زمان حمله سؤال کرد و دانفور پاسخ داد: «آنطور که تخمین زده‌ایم حدود ساعت ۹ شب به وقت واشنگتن خواهد بود.» دانفور همچنین گفت: «جناب رئیس جمهور! اگر آنها تلاش کردند در واکنش به این حمله، سربازان امریکایی را بکشند فوراً به شما اطلاع خواهیم داد.» ترامپ پاسخ داد: «من فکر نمی‌کنم که این اتفاق بیفتد؛ من بیشتر نگران سربازانمان در سوریه هستم. آنها را بیرون بکشید.» دانفور جواب داد: «ما هم می‌خواهیم به این نقطه برسیم.» ترامپ گفت: «سوریه دوست ما نیست!»